

عنوان مقاله:

کاربست رویکرد زمینه گرایی در مکتب های تاریخی ونوین معماری و شهرسازی

محل انتشار:

چهارمین کنگره بین المللی عمران ، معماری و توسعه شهری (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

نویسندگان:

داود گودرزی - دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، گروه معماری و شهرسازی، قزوین، ایران.

سیدحسین بحرینی - استاد دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا، گروه شهرسازی

خلاصه مقاله:

توجه به بستر معماری و شهرسازی و داده های طرح از ابزار مولد اولیه طراح اندر فرایند طراحی هستند. با ورود مکتب مدرنیسم بستر طراحی به دست فراموشی سپرده شد. نظریه پردازان مدرنیسم به منطق و عملگرا بودن طراحی به کم هویتی منجر شد. دهه ی شصت میلادی، موضوع پست مدرن به صورتیک سبک مهم مطرح شد و انتقادات زیربنایی به اندیشه ی منطق گرای مدرن وارد گردید. زمینه گرایی یکی از دیدگاه های رایج در معماری و شهرسازی است که درذیل سبک پست مدرن طبقه بندی می شود. نظریه های مربوط به زمینه گرایی ابتدایه عرصه های کالبدی، تاریخی و اجتماعی- فرهنگی راه یافتند و سپس به ابعاد انسانی گرایش پیدا کردند. زمینه گرایی در ابعاد: کالبدی کلاژ شکل و اجزای شهر طبق نظریه گشتالت، تاریخی سنت در رابطه طرح با تاریخ در طول زمان، اجتماعی معنی شناسی ارزش ها و ایدیولوژیهای حاکم و انسانگرایانه به پیاده مدار بودن توجه دارد. در رویکرد زمینه گرایی بایستی طراح قادر باشد تا بتواند ویژگی های یک مکان را دریابد و آن را در طراحی خود ملاک عمل قرار بدهد. مکتب های تاریخی معماری و شهرسازی با ایدیولوژی های حاکم بر مکتب خود با رویکرد زمینه گرایی برخورد های مختلفی نمودند. که از بین مکاتب پیش از مدرن و پست مدرن به زمینه گرا بودن طرح ها اهمیت داده می شود. مکتب پست مدرن رویکردهای چون دی کانست راکشن ساختارگرایی ، و فولدینگ ، با زمینه گرا بودن طراحی های خود به طرق مختلفی برخورد نمود. نتایج این مقاله ارایه کاربست رویکرد زمینه گرایی والهام گرفتن مکتب های تاریخی از این رویکرد جهت هویت مند کردن وحس تعلق داشتن به مکان می باشد.

کلمات کلیدی:

زمینه گرایی، معماری زمینه گرا، پست مدرن، دیکانستراکشن، فولدینگ

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/620081>

